

بررسی مهم‌ترین چالش‌ها و راهبردهای آموزش‌های مهارتی در ایران

مهدی نوید ادهم^۱ * حمید شفیق‌زاده^۲

چکیده

این مقاله به دنبال شناسایی چالش‌های آموزش‌های مهارتی در کشور و ارائه راهبردهای مقابله با آن است. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نوع داده‌ها، کیفی است. نمونه مورد مطالعه شامل مسئولان و کارشناسان مرتبط با حوزه آموزش مهارتی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سایر مؤسسات مهم آموزش عالی مرتبط، وزارتخانه کار و امور اجتماعی و وزارتخانه آموزش و پرورش بوده که به‌صورت هدفمند انتخاب شدند. بر اساس نتایج، سه مورد از مهم‌ترین چالش‌های آموزش مهارتی در کشور عبارت است از: فقدان مدل توسعه آموزش عالی، مشخص نبودن میزان سهم آموزش‌های مهارتی در نظام آموزش عالی کشور و فقدان مهارت‌های لازم در دانش‌آموختگان مراکز مهارت‌آموزی. سه مورد از مهم‌ترین راهبردهای آموزش مهارتی در کشور عبارت است از: تدوین و تنظیم سیاست‌های کلی آموزش‌های مهارتی، امکان افزایش ۵۰ درصدی سهم آموزش‌های مهارتی در برنامه ششم توسعه کشور و همگرا کردن سیاست‌ها و تصمیم‌های مربوط به آموزش‌های مهارتی با تأسیس «شورای ملی مهارت».

واژگان کلیدی: آموزش‌های مهارتی، آموزش عالی و آموزش و پرورش، توسعه و سیاست

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال پنجم • شماره بیستم • پاییز ۹۵ • صص ۲۱-۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۲/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۶/۱

۱. دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی و معاون پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام (mahnavid@yahoo.com)
۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، نویسنده مسئول (shafizadeh11@gmail.com)

مقدمه

بشر با تغییرات سریع و عمیق و تحولات اساسی در گستره زندگی روبرو است. در جهان کنونی با توجه به رشد فزاینده صنعت و نیازی که جوامع امروزی به صنعت دارند، می‌توان تنها راه نجات جوامعی را که از رشد صنعتی زیادی برخوردار نیستند، در توجه بیش از پیش به صنعت و صنعتی شدن دانست. این مسئله، نظام‌های آموزشی را واداشته تا خود را با سرعت فزاینده رشد فناوری و تحول در دنیای مشاغل و برهم خوردن دائمی تعادل، بین بازار کار و آموزش و پرورش هماهنگ سازد. یکی از عوامل مهم تحقق توسعه پایدار، توسعه سرمایه انسانی است و آموزش ارزش‌های فردی و اجتماعی را خلق می‌کند (افسرده، ۱۳۸۷). توسعه منابع انسانی به‌طور عمده با آموزش‌های رسمی، غیررسمی و مستمر ضمنی تأمین می‌شود. از این‌رو دلیل آموزش و پرورش، هم عامل خدمات اجتماعی محسوب می‌شود و هم سرمایه‌گذاری اقتصادی که باعث تسهیل رشد و توسعه انسانی خواهد شد. بنابراین ارتباط اصلی بین آموزش و پرورش و رشد و توسعه به‌طور عمده نتیجه تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بازار کار از طریق آموزش و پرورش و درنهایت آموزش عالی است (Masri, 2003).

یکی از ویژگی‌های مهم هر نظام اقتصادی، درهم‌تنیدگی ساختارهای آموزش و اشتغال است. به عبارتی، ارتباط ارگانیک کار و آموزش همواره در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی همزمان با یکدیگر در نظر بوده است. در واقع، هر آموزشی باید بازدهی یا توجیه اقتصادی داشته باشد که عالی‌ترین نوع آن، ایجاد اشتغال متناسب با فراگیر است. بروز پدیده جهانی شدن در روند اقتصاد، افزایش رقابت‌های بین‌المللی و تحولات ناشی از توسعه و پراکندگی‌های جغرافیایی در بازار کار، اهمیت نیاز به استراتژی سیستم آموزشی را افزایش می‌بخشد. اکثر کشورها در اصلاحات سیستم آموزشی خود نسبت به گسترش آموزش‌های عمومی و دانشگاهی تمایل بیشتری نشان می‌دهند، در حالی که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی در این مقایسه جایگاه چندان با اهمیتی ندارند. علاوه

بر این، در اکثر کشورها آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بخشی از سیستم آموزش متوسطه و یا دانشکده‌هایی که دانش‌آموختگان آن بنا بر نوع تقاضای جامعه به دانشگاه راه می‌یابند، محسوب می‌شود. ارزشیابی از این سیستم نشان می‌دهد که کارفرمایان از کیفیت این گونه آموزش‌ها راضی نیستند و غالباً از کیفیت ناچیز آموزش و فقدان مهارت‌های کاربردی کارآموزان و عدم تناسب محتوای آموزشی رضایت ندارند (سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، ۱۳۸۷: ۳). ماهیت عصر حاضر، شرایط و چگونگی عملکرد بازار کار و ظهور اقتصاد دانش‌محور، توجه به منابع انسانی توانمند، دارای مهارت‌های فنی و حرفه‌ای را ضروری ساخته است (مهرعلی‌زاده و نائلی، ۱۳۸۱). تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جوامع در قالب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفت. در پی پیشرفت‌های علمی و صنعتی پس از جنگ جهانی دوم، آموزش‌ها به‌طور بی‌سابقه‌ای گسترش یافت، تا آنجا که توسعه برنامه‌های آموزش‌های مهارتی از اهداف ملی بیشتر کشورها قرار گرفت. امروزه یکی از شاخص‌های موفقیت هر کشور، توسعه سه بخش صنعت، کشاورزی و خدمات محسوب می‌شود. توسعه این سه بخش نیازمند تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد در زمینه‌های فنی و حرفه‌ای متناسب با بازار کار است (نویدی و همکاران، ۱۳۸۲: ۵). از مهم‌ترین نیازها برای پیشرفت یک کشور، توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است، چراکه نیروی انسانی کارآموده یکی از عوامل تعیین‌کننده در رشد و توسعه کشورها محسوب می‌شود.

به‌طور کلی هنگامی که در گفت‌وگوها از واژه آموزش همراه با صفت فنی یا مهارتی استفاده می‌شود، منظور، نوع خاصی از آموزش است که هدف اصلی آن، آماده‌سازی افراد برای کار است. مهارت‌آموزی انجام فعالیت‌هایی است که می‌تواند فرد را برای احراز شغل، حرفه و کسب‌وکاری آماده کند یا کارایی و توانایی وی را در انجام آن افزایش دهد. امروزه ملت‌ها سخت در تلاش هستند تا با ایجاد نظام‌های آماده‌سازی افراد برای اشتغال، منابع خود را مورد استفاده بهینه قرار دهند. با مطالعه نظام آموزش عالی کشورهای پیشرفته، درمی‌یابیم که حدود ۷۰ درصد آموزش‌های آنان مهارتی بوده و به‌منظور تربیت تکنسین‌ها طراحی و اجرا می‌شود و صرفاً ۳۰ درصد آموزش‌های آنان نظری و در مرزهای تولید علم و دانش است. این در حالی است که در کشور ما این موضوع برعکس بوده و

کمتر از ۲۰ درصد آموزش‌های عالی کشور، به آموزش‌های مهارتی (علمی - کاربردی و فنی حرفه‌ای) اختصاص یافته است. به نظر می‌رسد زمان آن فرارسیده که مسئولان کشور به این باور برسند که کشور فقط به کارشناس، کارشناس ارشد و دکترا نیاز ندارد، بلکه به نیروی کار ماهر که آماده رفع نیاز کارفرمایان صنعت و کسب و کار در رابطه با مهارت‌های مختلف باشند، بیش از همیشه نیاز است. آنگاه دیگر شاهد رشد روزافزون کارفرمایان مستأصل از یافتن نیروی کار به موازات جوانان مستأصل از یافتن شغل نخواهیم بود.

چشم‌اندازهای متفاوتی نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای وجود دارد. به عبارت دیگر، تفاوت در نوع نگاه و تعریفی که برای آموزش فنی و حرفه‌ای وجود دارد، انتظارات و توقعات متفاوتی را نسبت به آن ایجاد می‌کند. جهانی شدن اقتصاد، افزایش رقابت بین‌المللی، تغییرات جمعیتی و بازار کار همواره ضرورت نیاز به استراتژی‌های نوین در امر آموزش فنی و حرفه‌ای را مطرح ساخت، این استراتژی‌ها و سازوکارها به دنبال مجموعه تحولات مفهومی صورت پذیرفت که در نهایت سبب تعریف نوین از آموزش مهارتی شد. ساختار تحولات مفهومی بر پایه برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی نوین صورت گرفته است (صالحی، ۱۳۸۴).

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مقایسه با آموزش‌های نظری از لحاظ هزینه‌ها گران‌تر هستند. از سوی دیگر لازم است بین آموزش‌های عرضه شده و نیاز بازار کار تناسب و هماهنگی وجود داشته باشد. یکی از ضعف‌های عمده کشورهای در حال توسعه، این است که برای پرورش نیروی انسانی خود از غرب الگوبرداری کرده‌اند، در حالی که کشورهای صنعتی غربی به‌طور منظم نظام آموزشی خود را با شرایط جدید فنی - اقتصادی جهان مورد تجدید نظر قرار می‌دهند، ولی این نوآوری‌ها در کشورهای در حال توسعه مشاهده نمی‌شود. صنعت و سایر بخش‌های اقتصادی کشور باید به تحولات سریع فناوری توجه کند و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز باید رشته‌ها و استانداردهای آموزشی خود را متناسب با پیشرفت‌های فناورانه به سرعت بهبود بخشند، به همین دلیل در کشورهای صنعتی در صورت احساس نیاز صنعت به رشته جدیدی که در پیشرفت فناوری مؤثر باشد، طی کوتاه‌ترین زمان ممکن است آن رشته در مراکز آموزشی صنعتی و غیره راه‌اندازی شود (والایی و همکاران، ۱۳۸۲).

۱. تبیین وضعیت موجود آموزش‌های مهارتی در ایران

در صورتی که شروع آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را در قالب آموزشگاه‌های حرفه‌ای مقدماتی و بعد از آن هنرستان صنعتی تهران در سال ۱۲۸۱ بدانیم، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به صورت رسمی در آموزش و پرورش بیش از یک صد سال قدمت دارد. ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در این دستگاه در دو شاخه فنی و حرفه‌ای و کارودانش صورت می‌پذیرد. شاخه کار و دانش، تربیت کارگر ماهر و شاخه فنی و حرفه‌ای (کاردانی پیوسته)، تربیت تکنسین را برعهده دارد. در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ در شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کارودانش، ۷۱۰۰ هنرستان در مناطق کشور فعال بوده است که حدود ۷۶۰ هزار هنرجو در این هنرستان‌ها مشغول به تحصیل بودند. از این تعداد ۴۴۰۰ هنرستان کار دانش در سراسر کشور با حدود ۴۵۰ هزار هنرجو فعالیت دارند. تعیین ظرفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، بدون نگاه به ظرفیت‌های جذب و توسعه، از جمله ایرادهای آموزش این شاخه‌ها محسوب می‌شود، به طوری که در سال ۱۳۵۸ شمار دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای نسبت به کل دانش‌آموزان دوره متوسطه - با احتساب نوبت دوم - ۲۱/۲ درصد بوده، که با حذف نوبت دوم هنرستان‌ها این نسبت به ۱۶ درصد کاهش یافت. براساس آمار، این نسبت تا سال ۱۳۷۱ کاهش داشته که میانگین آن به ۱۳/۳ درصد رسید، پس از این سال در یک مسیر شتاب‌دار، این سهم به ۳۸ درصد رسید.

با نگاهی به آمارهای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۹۴ به درستی می‌توان به تبیین وضعیت موجود آموزش‌های مهارتی در سطح دانشگاه‌های ایران پرداخت. بر اساس آمارهای موجود در سال ۱۳۹۴، دانشگاه جامع علمی - کاربردی دارای ۱۰۱۱ مرکز در کشور است که ۳۵/۴ درصد از کل مراکز و مؤسسات آموزش عالی کشور را به خود اختصاص داده است. این دانشگاه دارای ۸۱۶۶۲۰ دانشجو است که ۱۷ درصد از کل دانشجویان در کشور را شامل می‌شود. دانشگاه فنی و حرفه‌ای دارای ۱۶۹ مرکز در کشور است که ۵/۹ درصد از کل مراکز و مؤسسات آموزش عالی کشور را به خود اختصاص داده است. این دانشگاه دارای ۱۸۴۱۷۹ دانشجو است که ۳/۸ درصد از کل دانشجویان در کشور را شامل می‌شود.

به طور کلی، ۲۰ درصد از جمعیت دانشجویی در کشور در حوزه مهارتی مشغول به تحصیل هستند. تعداد مراکز ثابت در زیرمجموعه سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای که

عده‌دار انواع آموزش‌های مهارتی هستند، از ۵۱۶ مرکز در سال ۱۳۸۴ به ۶۷۳ مرکز در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است. طی ۱۰ سال اخیر، ۱۵۷ مرکز و به عبارتی، ۳۱ درصد رشد در ظرفیت‌های ثابت ایجاد شده است. میزان آموزش در سازمان طی دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ از ۱۱۵ میلیون نفر-ساعت در ابتدای دوره، به ۱۴۸ میلیون نفر-ساعت در سال پایه برنامه پنجم و سپس با روند کاهشی به ۱۲۶ میلیون نفر ساعت در انتهای دوره رسیده است.

جایگاه آموزش مهارتی در نقشه جامع علمی کشور و سیاست‌های کلان برنامه ششم ابلاغی مقام معظم رهبری مورد توجه قرار گرفته است. در هدف چهارم از اهداف بخشی نظام علم، فناوری و نوآوری کشور، دستیابی به سطح دانش و مهارت نیروی کار کشور متناسب با معیار جهانی و در جهت پاسخگویی به نیازهای جامعه و بازار کار داخلی و بین‌المللی اشاره شده است یا در یکی از راهبردها به صراحت، سازماندهی نظام‌های حرفه‌ای مبتنی بر دانش علمی و فنی برای اداره واحدهای اقتصادی - اجتماعی و نهادینه کردن فرهنگ مهارت‌گرایی و پژوهش‌محوری و کارآفرینی در نظام علم و فناوری و نوآوری و همچنین تقویت و حمایت از آموزش‌های مهارتی از طریق تمرکز در سیاست‌گذاری و نظارت به همراه تقویت مشارکت بخش‌های غیردولتی مورد توجه قرار گرفته است. در سیاست‌های کلان برنامه ششم ابلاغی مقام معظم رهبری نیز، بند ۷۶ (افزایش سهم آموزش‌های مهارتی در نظام آموزشی کشور) و بند ۷۸ (متناسب‌سازی سطوح و رشته‌های تحصیلی با توجه به نیازهای تولید و اشتغال) حاکی از آن است که آموزش‌های مهارتی مورد توجه جدی قرار گرفته است.

۲. پیشینه پژوهش

تحقیقات چندی نیز در این زمینه صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نتایج پژوهش حسین‌شاه و همکاران (۲۰۱۰) نشان داد که مهم‌ترین مسائل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و همچنین کاربردی کشور پاکستان عبارتند از: عدم ثبات و نظارت مطلوب، بودجه ناکافی، کمبود و نقص ارتباط بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و بخش صنعت و همچنین عدم یک برنامه ملی مدرن و کاربردی. در زمینه کارایی بیرونی، این پژوهش نشان داد: کارآموزانی که آزمون‌ها و امتحانات مختلف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را عبور می‌کنند، ۴۶ درصد هستند. همچنین ارتباط آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با

بررسی مهم‌ترین چالش‌ها و راهبردهای آموزش‌های مهارتی در ایران ۱۳

بخش صنعت دولتی و خصوصی غیرساختارمند بوده و نسبت به بسیاری از کشورهای نظیر جنوب شرق آسیا در حد پایین‌تری است.

- پرایس^۱ (۲۰۰۹) محتوای آموزشی غنی را یکی از دلایل موفقیت سازمان‌های فنی و حرفه‌ای می‌داند.

- باتومز^۲ (۲۰۰۶) پژوهشی با عنوان «استانداردهای آموزشی و ارزیابی مهارت‌های شناسایی شده صنعتی جهت بهبود مسیر شغلی» انجام داد. معمولاً استاندارد آموزشی در خصوص اهداف و محتوای آموزشی و به تناسب آن طول دوره و ساختار آموزشی را توضیح می‌دهد. این استانداردها محور اصلی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از یک سو و تطابق محتوا با بازار کار جامعه متبوع از سوی دیگر است. نتایج نشان داد: بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با اهداف و محتوای برنامه‌های درسی وجود ندارد.

- نتایج پژوهش جبران کرم^۳ (۲۰۰۶) نشان داد که سیستم آموزش فنی و حرفه‌ای کشور لبنان در زمینه کارایی بیرونی از اثربخشی مطلوبی برخوردار نبوده که بخش عظیمی از آن، ناشی از عدم یک برنامه کلان مدون و بخش دیگر عدم ارتباط کارآموزان با مراکز صنعتی و تجاری است.

- مطالعات سلیمی (۱۳۸۴) مشخص کرد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای توفیق قابل توجهی در پرورش نیروی ماهر کار (سرمایه انسانی) و تربیت نیروی انسانی خوداشتغال (کارآفرین) داشته و می‌توانند به‌عنوان یک راه میانبر در جهت توسعه سرمایه انسانی ایفای نقش کنند. با وجود این، توفیقات بیشتر در تشکیل چنین سرمایه‌ای، نیازمند توجه جدی‌تری به بعد آموزشی (محتوا و روش) دارد.

- پژوهش شعبانلو (۱۳۸۱) نشان می‌دهد که میزان اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف فنی و حرفه‌ای در استان آذربایجان غربی یکسان نبوده است. بالاترین نرخ اشتغال مربوط به کشاورزی با ۳۶/۸۴ درصد و کمترین نرخ مربوط به خدمات؛ مطابقت نداشته است، به طوری که به شغل ۶۵/۲۲ درصد شاغلان صنعت ۵۵/۵۵ درصد شاغلان خدمات و ۵۸/۷۱ درصد شاغلان کشاورزی با رشته تحصیلی آنها مرتبط نبوده است.

- نتایج پژوهش فرشاد (۱۳۷۴) نشان می‌دهد: حدود ۵۵ درصد از دانش‌آموختگان

-
1. Prise
 2. Bottoms
 3. Karam G.

رشته‌های فنی و حرفه‌ای بیان داشته‌اند که شغلشان غیرمرتبط با رشته تحصیلی آنها بوده است و هماهنگی بین نوع رشته و نوع نیاز بازار کار در بسیاری از موارد کامل نبوده است. - مهرمحمدی (۱۳۷۳) نتیجه بررسی کارایی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آلمان با نظام دوگانه را شش ماه پس از اتمام دوره‌ای این گونه بیان کرده است: در مجموع ۶۷ درصد مهارت‌آموزان توانسته‌اند به نوعی جذب بازار کار شوند. اگر ادامه تحصیل و کارآموزی را نیز چنانکه باید مسیری موجه و متضمن ثمربخشی سرمایه‌گذاری به عمل آمده بدانیم، شاخص کارایی بیرونی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آلمان به ۸۰ درصد افزایش می‌یابد که یکی از مظاهر موفقیت این نظام به حساب می‌آید.

- نتایج تحقیق طالقانی‌نیا (۱۳۷۱) بیانگر عدم جذب بیشتر دانش‌آموختگان دختر آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای در مشاغل مربوط به رشته خود، معلول هماهنگ نبودن رشته‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای مختلف کشور، پرداختن دانش‌آموختگان به مشاغل دیگر به دلیل نبودن مشاغل متناسب با رشته تحصیلی آنها، کمبود درآمد رشته‌های فنی و حرفه‌ای و عدم هماهنگی برآورد نیازهای کمی نیروی انسانی با برنامه‌ریزی‌های توسعه کمی آموزش رشته‌های مختلف فنی و حرفه‌ای بوده است.

به‌طور کلی، یکی از اساسی‌ترین مشکل کشور ما، کمبود نیروی انسانی ماهر و یا حضور نیروهای غیر ماهر در عرصه‌های گوناگون صنعت است. آنچه امروز کشورهای دنیا را از نظر پیشرفت از یکدیگر متفاوت می‌سازد، دارا بودن سرمایه‌های انسانی است. اکثر کشورها تلاش می‌کنند برنامه‌های آموزشی خود را به گونه‌ای مدون سازند تا بتوانند ضمن تقویت فناوری نوین و سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، شرایط اشتغال مناسب را فراهم آورند و همراه آن، قدرت رقابت محصولات خود را در بازارهای جهانی افزایش دهند. یکی از راه‌های پاسخگویی به این نیازها، کیفیت‌بخشی به آموزش‌های مهارتی و هماهنگ ساختن آن با نیازهای جامعه است. نظام آموزش فنی و حرفه‌ای غیررسمی، مجموعه‌ای به هم پیوسته از اهداف، ساختار، محتوا، روش، مدیریت و منابع آموزش فنی و حرفه‌ای غیررسمی کشور است که مکمل نظام آموزش رسمی ارائه می‌شود. این نظام، بخش سوم از کل نظام آموزش کشور است که بخش اول آن، نظام آموزش عمومی است که وزارت آموزش و پرورش متولی آن است و بخش دوم، نظام آموزش عالی است که وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری با همکاری بخش غیردولتی متولی آن است و

بالاخره بخش سوم که نظام آموزش غیررسمی و کوتاه‌مدت سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور با همکاری سایر دستگاه‌ها متولی آن محسوب می‌شود. با دقت نظر در سیاست‌های کلی نظام و قوانین برنامه، اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و ضرورت توجه در برنامه ششم توسعه به ایجاد سازوکارهای لازم جهت هماهنگی در سیاست‌گذاری و اجرای صلاحیت حرفه‌ای، کارآموزی و کارورزی و توانمندسازی نیروی کار روشن می‌شود. دستیابی به این اهداف بلند که نقش بی‌بدیلی در دستیابی به توسعه پایدار دارد، بدون متولی، هماهنگی، در اختیار داشتن اطلاعات بازار کار و نیازهای بازار کار میسر نیست. این موضوعی است که در قوانین برنامه‌های گذشته نیز مورد توجه بوده است، اما سازوکار اجرایی مناسبی برای آن در نظر گرفته نشده، در نتیجه به دستاوردهای مناسبی نیز منجر نشده است. بنابراین لازم است در قانون برنامه ششم، راهکارهای دقیق و جدی برای این مسئله اندیشیده شود. مقاله حاضر در همین راستا به دنبال شناسایی چالش‌ها و ارائه راهبردهای مقابله با آن در زمینه آموزش‌های مهارتی در کشور است. با توجه به چنین روندی، پژوهش حاضر برای پاسخگویی به پرسش‌های زیر انجام شده است: ۱. مهم‌ترین چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در آموزش‌های مهارتی از دیدگاه متخصصان چیست؟ ۲. برای حرکت به سمت وضعیت مطلوب، مهم‌ترین راهبردهای تقویت‌کننده آموزش‌های مهارتی در ایران از دیدگاه متخصصان چیست؟

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نوع داده‌ها، کیفی است. جامعه مورد مطالعه شامل مسئولان، متخصصین، افراد حرفه‌ای و اعضای هیئت علمی درگیر فعالیت‌های اجرایی و علمی مربوط به آموزش‌های مهارتی بوده است. نمونه مورد مطالعه، شامل یک گروه ۱۸ نفره به‌عنوان مسئولان و کارشناسان مرتبط با حوزه آموزش مهارتی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سایر مؤسسات مهم آموزش عالی مرتبط (دانشگاه فنی و حرفه‌ای و دانشگاه علمی کاربردی)، وزارتخانه کار و امور اجتماعی و وزارتخانه آموزش و پرورش بوده که به‌صورت هدفمند برای تحقیق حاضر انتخاب شدند.

روش گردآوری داده‌ها از طریق گروه‌های کانونی^۱ انجام شد. روش گروه‌های

کانونی یکی از فنون و روش‌های کیفی در پژوهش‌های انسانی - اجتماعی است. در خصوص این روش، تعاریف گوناگونی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است. دیوید مورگان معتقد است که گروه کانونی شکلی از مصاحبه گروهی هستند که بر تعامل در گروه تأکید دارد و این تعامل بر پایه مفروضات و موضوعات ارائه شده از سوی محقق است و در گروه‌های کانونی تعامل بین شرکت‌کنندگان (مصاحبه‌شوندگان) در تحقیق، مبنای ایجاد داده‌ها و بینش و آگاهی است. از دیدگاه دیگر، گروه کانون نوعی مصاحبه است که توسط مصاحبه‌گر آموزش‌دیده و حرفه‌ای و در جمع گروه کوچکی از پاسخ‌دهندگان انجام می‌شود. معمولاً این گروه‌ها بین ۸ تا ۱۲ نفر بوده و هر جلسه بین ۲ تا ۳ ساعت زمان می‌برد و معمولاً از این جلسات فیلم‌برداری می‌شود. همچنین ممکن است اعضای تیم تحقیق و حتی کارفرما در پشت اتاق شیشه‌ای که اعضای گروه کانون قادر با مشاهده ایشان نیستند، به صورت همزمان جلسه را دنبال کنند و دستورات لازم را از طریق گوشی به میانجی داده و جلسه را هدایت کنند. این مصاحبه دارای ویژگی غیرساختارمند است و پاسخ‌دهندگان دارای آزادی کامل برای بیان دیدگاه‌هایشان هستند.

در این تحقیق از ضبط صوت و دست‌نوشته‌ها برای گردآوری داده‌ها استفاده شده و با ثبت و ضبط بحث‌های گروه‌های کانونی داده‌ها مورد نیاز جمع‌آوری شده است. برای تأیید روایی علمی داده‌های جمع‌آوری شده در این بخش، مباحث ضبط شده از بحث‌های گروه‌های کانونی بدون دخل تصرف، پیاده‌سازی شده، آنگاه به شرکت‌کنندگان در دو نوبت ارائه و تأیید ایشان اخذ شده است. جهت تحلیل داده‌های کیفی دفعات تکرار یک عبارت در جدولی گردآوری شده و چالش‌ها و راهبردهای آموزش مهارتی به ترتیب اولویت ارائه شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱ اولویت‌بندی ۱۰ چالش آموزش‌های مهارتی در ایران را از نظر کارشناسان و متخصصان این حوزه نشان می‌دهد:

بررسی مهم‌ترین چالش‌ها و راهبردهای آموزش‌های مهارتی در ایران ۱۷

جدول ۱. چالش‌های آموزش‌های مهارتی در ایران

اولویت	چالش	ردیف
اول	فقدان مدل توسعه آموزش عالی و مشخص نبودن میزان سهم آموزش‌های مهارتی در نظام آموزش عالی کشور	۱
فاقد اولویت	تغییر نقش وزارتخانه‌های آپ و عتف از «متولی (سیاست‌گذار و هدایت‌کننده)» به «مجری»	۲
ششم	عدم دسترسی به اطلاعات به روز از نیاز بازار کار در کشور (محلی، استانی، ملی، منطقه‌ای و سایر کشورها) و به تبع آن، عدم پاسخگویی نیازهای آموزشی متناسب با ضرورت‌های بازار کار	۳
دوم	عدم اجرای نظام صلاحیت حرفه‌ای در کشور	۴
هفتم	فقدان برنامه‌ریزی منسجم در بهره‌مندی از تجربیات کشورهای موفق در آموزش‌های شغلی به‌ویژه در طراحی، اجرا و پیاده‌سازی و ارزیابی آموزش‌های مهارتی	۵
دهم	فقدان شبکه نظارت و ارزیابی جامع و مستمر در اجرای آموزش‌های مهارتی	۶
چهارم	مقرون به صرفه نبودن سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در طراحی و اجرای این آموزش‌ها با توجه به پرهزینه بودن این آموزش‌ها	۷
سوم	فقدان مهارت‌های لازم در فارغ‌التحصیلان مراکز مهارت‌آموزی (تشدید بحران بیکاری)	۸
هشتم	تعدد نهادها و مراکز سیاست‌گذاری و اجرا در حوزه آموزش‌های مهارتی	۹
فاقد اولویت	عدم توجه کافی به آموزش مهارت‌های انسانی و ارتباطی در کنار آموزش‌های فنی	۱۰
فاقد اولویت	عدم اعتباربخشی شایسته به مدارک و گواهینامه‌های مهارتی در ساختار اشتغال کشور	۱۱
پنجم	جهت‌گیری نظام آموزشی کشور به سمت تقاضای اجتماعی و نه تقاضای بازار کار (افزایش مدرک‌گرایی در جامعه)	۱۲
نهم	پایین بودن منزلت مؤسسات و آموزش‌های مهارتی نزد جامعه	۱۳
فاقد اولویت	رقابت دو وزارتخانه آپ و عتف بر سر منابع موجود	۱۴

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که از بین ۱۴ چالش مهمی که بین صاحب‌نظران این حوزه مورد بررسی قرار گرفت، ۴ مورد از فهرست خارج شد و در نهایت بر روی ۱۰ چالش اتفاق نظر به وجود آمد. طبق این جدول، سه مورد از مهم‌ترین چالش‌های آموزش مهارتی در کشور عبارت است از:

۱. فقدان مدل توسعه آموزش عالی و مشخص نبودن میزان سهم آموزش‌های مهارتی در نظام آموزش عالی کشور؛
۲. عدم اجرای نظام صلاحیت حرفه‌ای در کشور؛
۳. فقدان مهارت‌های لازم در فارغ‌التحصیلان مراکز مهارت‌آموزی (تشدید بحران بیکاری).

جدول ۲، اولویت‌بندی ۵ راهبرد مهم آموزش‌های مهارتی در ایران را از نظر کارشناسان و متخصصان این حوزه نشان می‌دهد:

جدول ۲. راهبردهای آموزش‌های مهارتی در ایران

اولویت	راهبرد	ردیف
اول	تدوین و تنظیم سیاست‌های کلی آموزش‌های مهارتی در مجمع تشخیص و ابلاغ رسمی آنها	۱
دوم	ایجاد امکان افزایش ۵۰ درصدی سهم آموزش‌های مهارتی در برنامه ششم توسعه کشور (با حمایت‌های قانونی و تأمین اعتبارات مالی)	۲
سوم	همگرا کردن سیاست‌ها و تصمیم‌های مربوط به آموزش‌های مهارتی با تأسیس «شورای ملی مهارت» (پرهیز از تشتت و کثرت برنامه‌ای و سیاستی)	۳
فاقد اولویت	تدوین مدل توسعه برای آموزش‌های مهارتی	۴
فاقد اولویت	وارد کردن سرفصل‌های مربوط به آموزش مهارت‌های انسانی و ارتباطی در مفاد درسی آموزش‌های مهارتی	۵
فاقد اولویت	تقویت بخش‌های تصمیم‌گیر مربوط به آموزش‌های مهارتی در وزارتخانه‌های آپ و عتف	۶
چهارم	تدوین استانداردهای مهارت جهت تسهیل در ارزیابی فارغ‌التحصیلان	۷
پنجم	تأسیس پایگاه‌های آماری و اطلاعاتی مربوط به بازار مشاغل مهارتی (مشاغل میانی و مهارتی و تکنسین‌ها)	۸
فاقد اولویت	تدوین استاندارد آموزشی و برگزاری آموزش و آزمون برای توسعه صلاحیت‌های شغلی و مهارت‌های انسانی	۹
فاقد اولویت	سپردن هدایت و سیاست‌گذاری مؤسسات آموزش مهارتی دستگاه‌های اجرایی کشور به وزارتخانه‌های آپ و عتف	۱۰
فاقد اولویت	سرمایه‌گذاری دولتی در رشته‌های مهارتی حساس و راهبردی	۱۱

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که از بین ۱۱ راهبرد مهمی که بین صاحب‌نظران این حوزه مورد بررسی قرار گرفت، ۶ مورد از فهرست خارج شد و در نهایت بر روی ۵ راهبرد اتفاق نظر به وجود آمد. طبق این جدول، سه مورد از مهم‌ترین راهبردهای آموزش مهارتی در کشور عبارت است از:

۱. تدوین و تنظیم سیاست‌های کلی آموزش‌های مهارتی در مجمع تشخیص و ابلاغ رسمی آنها؛
۲. ایجاد امکان افزایش ۵۰ درصدی سهم آموزش‌های مهارتی در برنامه ششم توسعه کشور (با حمایت‌های قانونی و تأمین اعتبارات مالی)؛
۳. همگرا کردن سیاست‌ها و تصمیم‌های مربوط به آموزش‌های مهارتی با تأسیس «شورای ملی مهارت» (پرهیز از تشتت و کثرت برنامه‌ای و سیاستی).

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امروزه ملت‌ها سخت در تلاش هستند تا با ایجاد نظام‌های آماده‌سازی افراد برای اشتغال،

منابع خود را مورد استفاده بهینه قرار دهند. در حقیقت همه افراد - حتی مردم کشورهای در حال توسعه - به شرطی می‌توانند در بازار کار رقابت کنند که در کاربرد فناوری‌های نوین مهارت داشته و از مهارت‌های تخصصی برخوردار باشند. بی‌شک، بدون در نظر گرفتن احتیاجات جامعه، تأسیس مراکز فنی و حرفه‌ای اثربخشی لازم را ندارد. نکته اساسی این است که برنامه‌های تربیتی حرفه‌ای باید به موازات برنامه تربیت عمومی در دبیرستان‌ها گنجانده شود.

مطالبات مقام معظم رهبری نیز ناظر به نقش آموزش‌های مهارتی در زمینه‌سازی برای علم نافع و تربیت نیروی انسانی مؤمن، صالح، تحول‌آفرین، ماهر و کارآفرین است. در واقع خصیصه آموزش‌های مهارتی، نوعی پرورش «کارآفرین» است، به این معنی که افراد پس از کسب مهارت و تخصص دانش فنی، قادر خواهند بود که فرصت‌های شغلی مناسبی را به دست آورند و یا در نهایت فرصت شغلی ایجاد کنند. بنابراین اگر آموزش‌های مهارتی در کشور نادیده گرفته شود، در واقع باعث سوق دادن آموزش کشور، به‌طور غیرمستقیم به آموزش اشتغال‌کاذب و درآمدهای سهل‌الوصول و ناپایدار شده و به تدریج آسیب جدی به کشور وارد می‌سازد. برای مقابله با چنین مشکلاتی، تأکید بر راهبردهای عنوان شده فوق به‌ویژه در برنامه ششم توسعه می‌تواند مثمر‌تر باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. افسرده، فریده (۱۳۸۷). مقایسه کارایی درونی شاخه فنی و حرفه‌ای آموزش و پرورش استان ایلام در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ با اهداف پیش‌بینی شده در برنامه توسعه سوم استان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دزفول.
۲. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور (۱۳۸۷). مدرنیزه کردن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مؤسسه خدمات مشاوره‌ای.
۳. شعبانلو، کریم سعید (۱۳۸۱). «بررسی کارایی بیرونی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نظام جدید آموزش متوسطه استان آذربایجان غربی»، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، دوره هشتم، شماره ۳۱.
۴. صالحی، ص (۱۳۸۴). «تحول آموزش فنی و حرفه‌ای و مکانیزم‌سازی»، مجموعه مقالات دومین همایش نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در تحولات اقتصادی و اجتماعی، مازندران: اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای مازندران.
۵. طالقانی‌نیا، محمد (۱۳۷۱). رابطه آموزش‌های رسمی فنی و حرفه‌ای با اشتغال، فارغ‌التحصیلان سال‌های ۶۷-۱۳۶۳ در شهرستان‌های استان تهران، طرح پژوهشی، تهران: اداره کل آموزش و پرورش.
۶. فرشاد، مهدی (۱۳۷۴). رابطه آموزش‌های رسمی و فنی و حرفه‌ای، اشتغال فارغ‌التحصیلان طرح پژوهشی، تهران: مرکز تحقیقات آموزش پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۷. مهرعلیزاده، یدالله و م.ع. نائلی (۱۳۸۱). «پیامدهای جهانی شدن بر برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاهی در ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه شریف، سال هجدهم، دوره جدید، بهار.
۸. مهرمحمدی، محمود (۱۳۷۳). «نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای در الان چیست؟ و از آن چه می‌توان آموخت؟»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال دهم، شماره ۳۹ و ۴۰.
۹. نویدی، احد و همکاران (۱۳۸۲). آموزش فنی و حرفه‌ای، پژوهشکده تعلیم و تربیت آموزش و پرورش.

ب) منابع لاتین

1. Bottoms, Gene (2006). Using Industry-recognized Skill Standard Assessment For Improving Carrier, technical education, available from gene Bottoms strd. org.
2. Hussain shah, I. et al. (2010). "Structure of Technical Education and Vocational Training in Pakistan", Journal of Technical Education and training of Islamabad University.
3. Karam. G. (2006). "Vocational and Technical Education in Lebanon: Strategic Issues and Challenges", International Education Journal, Vol. 7, No. 3: 259-

۲۱ بررسی مهم‌ترین چالش‌ها و راهبردهای آموزش‌های مهارتی در ایران

272.

4. Masri, M. W. (2003). Vocational Education and the Changing Demand of the World of Work. President: National Center for Human Resources Development Jordan.
5. Price, David (2009). “Job Active Group Grow on Base the Curriculum of Vocational and technical Education and adapt With Development”, journal of education and training, vol.41: 79-97.